



چهل، زیاده خواهی و تنبلی؛ عوامل رشد خرافه در جامعه

مستندات زیادی مبین رواج بیش از پیش باورهای خرافی در جامعه امروز ماست. از همین رو گفت و گویی داشتیم با سید یحیی یثربی، استاد بازنشسته فلسفه، و مؤلف کتاب...

مستندات زیادی مبین رواج بیش از پیش باورهای خرافی در جامعه امروز ماست. از همین رو گفت و گویی داشتیم با سید یحیی یثربی، استاد بازنشسته فلسفه، و مؤلف کتاب 'فلسفه خرافات' که در سال 93 توسط انتشارات امکب به چاپ رسید.

خرافه را معمولا معادل 'ترس از پدیده ای که نسبت به آن چهل داریم'، تعریف کرده اند. بسیاری از مردم از روی ساده لوحی و عدم اعتماد بنفس و نیز عدم ایمان به قدرت لایزال خداوند، در توجیه شکست ها، عقب ماندن ها، از دست دادن ها و به دست نیاموردن ها، به تأثیر امور خرافی همچون نحوست روز یا ماهی خاص، دخالت اجنه و ارواح، و طلسم باور کرده، و از این رو برای رفع این موانع به افراد سودجویی که با شگردهای متعدد اقدام به فریب ایشان می کنند، مراجعه می نمایند.

گفت و گوی زیر با مؤلف کتاب 'فلسفه خرافات'، به بررسی عوامل رشد خرافه و ارائه ی راهکارهایی جهت جلوگیری از ترویج نگرش خرافی در جامعه می پردازد.

**** جناب استاد یثربی تعریف شما از خرافات چیست؟**

- ببینید خرافه در تعریفی ساده عبارت است از 'باوری که تعریف علمی نداشته باشد'، یعنی گزاره ای که توجیه قابل قبول نداشته باشد. خرافه، امریست که در برابر علم قرار دارد، چون علم متکی بر شواهد و دلایل است و یکی از ویژگی های خرافه این است که شواهد و دلایل و مستندی ندارد، یعنی باوری است بدون بنیاد. و علم است که تفسیرهای خرافی از معنای جهان را کنار می زند. خرافه یعنی چهل.

**** از جمله تألیفات اخیر شما کتاب 'فلسفه خرافات' است که می توان ادعا کرد از معدود کتاب هایی است که با تحلیل دقیق علمی و تفکر انتقادی نسبت به موضوع خرافه در سالهای اخیر در ایران تألیف شده است. به نظر شما چرا متفکران جامعه ما و استادان فلسفه نسبت به موضوع رواج خرافات در ایران حساسیت خاصی نشان نمی دهند؟ چرا تحلیل ها، تألیف ها و هشدارهایشان تقریباً فاقد توجه به این امر است؟**

- خرافه همیشه هدف اصلی آماج دانشمندان و روشنفکران بوده است. طبیعی است که روشن اندیشان جامعه که همان فیلسوفان هستند پیش از دیگران و بیش از دیگران به خطر خرافه و به مبارزه با خرافه پرداختند. در تاریخ یونان هم همین طور بوده است. اما اینجا سؤال است که پس چرا فیلسوفان جامعه ما با خرافه نمی جنگند؟ دلیل این امر باز می گردد به اینکه فلسفه ما فلسفه به روز و کارآمد نیست بنابراین شما نمی توانید انتظاری از این فیلسوفان داشته باشید.

ببینید ما روشنفکر نداریم، بلکه مبارز داریم. مبارز، با تفکر کاری ندارد. ستارخان تفنگ برمی دارد، او نمی تواند به مردم اندیشیدن یاد بدهد چون خودش هم بلد نیست.

فلسفه ما هنوز در تأیید عناصر چهارگانه آب و باد و خاک و آتش سخن می گوید اینها فلسفه ایست که به تاریخ سپرده شده است. فلسفه باید کارآمد و به روز باشد. فلسفه آثار باستانی نیست که بگویید مال 2500 سال پیش است پس خیلی مهم است.

مثلا صدا و سیما ده جلسه به درس فلسفه یک استاد اختصاص می دهد که دائم می گوید وجود متشکک است خب وجود متشکک باشد یا نباشد به چه درد جامعه می خورد؟ نه در مدیریت جامعه و نه در سیاست جامعه و نه در دیانت جامعه اثر

ندارد. چیزی که به هیچ جای جامعه ربطی ندارد. هیچ کدام از صحابه پیامبر یا ائمه حتی از این بیانات نداشته اند اینکه من با وجودم وجود چای را می خورم یا با ماهیتم چه فرق می کند؟

فلسفه اگر فلسفه باشد سیاست را مورد مذاقه قرار می دهد، مدیریت را می بیند، رابطه جناح های مختلف را می بیند؛ من با این چشم کتابی 400 صفحه ای نوشته ام درباره روابط غلط جناح های ما که در کتاب 'خودکامگی و فرهنگ' آورده ام.

**** شما در همان کتاب فلسفه خرافات ، به شگردهای مروجان خرافه در استفاده از امکانات دنیای جدید اشاره کرده اید و از این شگردها با تعبیر 'دژهای مدرن خرافه' سخن گفته اید، یکی از پرسش های مطرح اینست که به لحاظ روانشناسی چطور برخی افراد تحصیل کرده و با اطلاع ، باورهایی جدی به خرافات دارند؟**

- خرافه به دلیل اینکه دروغ است و دروغ را با روش هایی شیطننت آمیز حمایت می کند، لذا افراد آن را باور می کنند. معمولاً افراد شکست خورده و زیان دیده ، افرادی که خود یا عزیزانشان درگیر یک بیماری هستند، افراد بیسواد، و در کنار همه اینها افراد بسیارمرفه که زیاده خواه و جاه پرستند ، مخاطبان مروجان خرافه هستند.

**** یعنی رفاه و تحصیلات هم نمی تواند همچون دژی در برابر باور به خرافه عمل کند؟**

- همین طور است. چون برخی افراد وقتی می بینند همه چیز دارند، از لحاظ ثروت، خانه ی راحت، شأن اجتماعی و غیره ، در صدد ارتباط با امور مخفی و ماورائی بر می آیند، یعنی زیاده خواهی و جاه طلبی شان آنها را به فکر شفای بیماران و اموری از این قبیل می اندازد. در واقع تلاش می کنند که به مانند فردی که قادر به برآوردن تمام حوائج دیگران است، جلوه کند. پس بنابراین علاوه بر جهل و ناامیدی و شکست ، زیاده خواهی نیز همچون عاملی از عوامل روانشناسی افرادی خرافه گراست.

**** به نظر شما هدف از ترویج خرافات در جامعه چیست؟**

- در بسیاری از افراد هدف از ترویج خرافه ، یکی خودنمایی و دیگری عقب نگه داشتن جامعه برای رسیدن به منفعت شخص یا گروهی خاص است. یعنی برای اینکه خودشان را مطرح کنند به تبلیغ عرفان های فاسد و خرافه روی می آورند. استاد دانشگاهی که می رود و جلوی یک آدم بیسواد زانو می زند برای مطرح شدن خودش این کار را می کند. و همان طور که گفتم همه خرافه پرستی ها از روی نیاز نیست بلکه از روی زیاده خواهی و جاه پرستی است.

**** از دیدگاه جنابعالی چه راهکارهایی جهت ممانعت از گسترش و ترویج خرافه در جامعه ، وجود دارد ؟**

- باید به مردم اطلاع رسانی کنیم . من ده سال است می گویم بگذارید من بیایم و راجع به خرافات و عرفان های فاسد روشن گری کنم اما نمی گذارند . اما آنهایی که مستقیم و غیر مستقیم این چیزها را ترویج می کنند همیشه هستند و یا آنهایی که خنثی هستند دو سال هم حرف بزنند نمی فهمید چه می گویند، همواره در صحنه حضور دارند.

بنابراین مشکل ما این است که در مبارزه باید روشن اندیش داشته باشیم و معتقدم نداریم و کم داریم در کتاب 'ماجرای غم انگیز روشن فکری در ایران' تحلیل مفصلی نسبت به این موضوع آورده ام.

**** شما در کتابتان در جایی اشاره کرده اید که در غرب ، هر چند وقت یکبار مردم را با اظهارات غیر علمی محک می زنند تا میزان سطحی نگری مردم نسبت به امور و مسائل پیرامونشان را بسنجند. به طور کلی خرافه زدائی از ذهن جامعه و این بالا بردن بینش و شناخت عموم از چه راه هایی مؤثرتر عمل می کند؟**

- غربی ها با امکاناتی که ادبیات ، رسانه ها ، رمان ها ، و تئاترها دارند به جنگ خرافه رفتند و از آنجا غیر مستقیم روی ذهن مردم اثر گذاشتند. ما باید از این روش ها استفاده کنیم ما امکانات زیادی داریم . من با اینکه چشمم بسیار ناراحت است اما گاهی اوقات برخی سریال ها را می بینم و متوجه می شوم که برای مردم سرگرم کننده است اما متأسفانه ' فاقد ایده ' و گاه حتی 'ضد ایده' هستند و بنا براین بیفایده اند.

البته جامعه ی غرب هنوز هم سرشار از تفکر خرافه ایست اما بسیار کمتر نسبت به گذشته اش شده است. گاهی در برخی امور ما از آنها کامل تریم . مثلاً شما فیلم های غربی را که می بینید هنوز برخی حیوانات عظیم الجثه یا آدم آهنی در کنار آدمها، اموری را در دست دارند ، این به همان پس زمینه ذهن خرافی شان باز می گردد. در صورتی که اکثر زنان و مردان بالغ کشور ما صحنه های آدم آهنی و این قبیل چیزها برایشان کسل کننده و ابلهانه می نماید.

اسلام به ما اعلام کرده است که یک ساعت اندیشیدن بهتر از هفتاد سال عبادت است. یعنی اسلام می گوید من، متفکر می خواهم، من ، آدم به خاک بیافت صرف نمی خواهم. اگر به خاک بیافتد، اول باید عقلش را درست کند. و بعد به ما می گوید ارزش پرستش شما را عقلتان تعیین می کند . پرستش خر ارزشی ندارد. پرستش علی ، پرستش دانشمندان است که ارزشمند است.

ما بیش از هر چیز باید به مردم اطلاع رسانی کنیم و سطح آگاهی و شناخت جامعه را بالا ببریم و قبل از همه باید نشان دهیم که خودمان اهل خرافه نیستیم.

دکتر سید یحیی یثربی ، استاد بازنشسته فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی است که آثارش در حوزه نقد فلسفی مسائل از جایگاهی ویژه در بین متفکران ایرانی برخوردار است. از جمله تألیفات وی می توان ' پژوهشی در نسبت دین و عرفان ' ، ' ماجرای غم انگیز روشنفکری در ایران ' ، ' عیار نقد ' و ' قلندر و قلعه (داستان زندگی شیخ شهاب الدین سهروردی) ' را نام برد.

گفت و گو از : آمنه شیرازی نژاد